

نگرش چندساختی به مقولات تمدنی در قرآن

کریم و سیره نبوی

دکتر ایرج گلجانی

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

جوامع بشری در گذر تاریخ به پیچیدگیهای افزونتر تمدنی دست می‌یابند و در این راستا مقوله‌های تمدنی همچون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، سبکهای زندگی و فناوریهای پیشرفته، تأثیرات شبکه‌ای و چندجانبه‌ای بر هم می‌گذارند. غفلت جوامع معاصر و تک‌ساحت‌نگری مدیریتی آنها و نگاه استقلالی در مقام نظر به این مقولات است که خود برانگیزاننده خیزش بحرانهای گسترده در زندگی فردی و گروهی انسان شده است. افزون بر آن، حاکمیت منطق بازار و سود، محمل از میان رفتن ارزشهای اخلاقی در هدفگذاریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده است.

نگرش چندساختی قرآن و به تبع آن مدیریتی رسول اکرم (ص) و حاکمیت اصول اخلاقی بر نهادهای تمدنی در سیره نبوی می‌تواند الگوی بی‌بدیلی برای چاره‌سازی بحران مورد اشاره باشد. این مقاله، تلاشی است در جهت نمایاندن نگرش جامع چندساختی به نهادهای تمدنی و هدفگذاری اخلاقی در برنامه‌های توسعه که از ویژگیهای برجسته قرآن کریم و سیره نبوی است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، رسول اکرم (ص)، سیره نبوی، مقولات تمدنی، ارتباطات چند جانبه، نگرش چندساختی

۱- مقدمه

نگاهی اجمالی به آمار فراورده‌های فرهنگی و ادبیات و هنر و فلسفه و عرفان برجای مانده از تاریخ زندگی انسان، نشان‌دهنده نقش برجسته اندیشه و گرایش‌های دینی در تفسیر و معنادهی به شخصیت انسان و معمای چرایی زندگی و مرگ است. از این رو، ماندگارترین چهره‌های دگرگون‌ساز زندگی بشر تا دوران کنونی، پیامبران بوده‌اند. رسولان ابراهیمی با رسالت نجات انسان از رنج‌های زیستن در این خاکدان و ارزانی داشتن سعادت جاودانه برانگیخته شده‌اند. در حافظه تاریخی نوع انسان، چهره‌های الگوساز گوناگونی جای گرفته‌اند؛ همچون فیلسوفان، عارفان، مصلحان، ادیبان و شاعران، هنرمندان، اسوه‌های اخلاق و پاک زیستی، دانشمندان برجسته دانش طبیعی و مخترعان و مبتکران و نظریه پردازان. تمامی تلاش‌های این نخبگان را می‌توان در محور تفکر کاهش رنج انسان در دو زمینه در نظر گرفت:

۱. تدارک امکانات بیشتر برای زندگی در راستای آسایش انسان با چیرگی و بهره‌مندی از نیروهای طبیعت
 ۲. پدیدآوردن چشم اندازی معرفتی و روانی در جهت آرامش وجودی انسان در رویارویی با چهار واقعیت اسرارآمیز مشترک همه آدمیان: چستی انسان و چرایی زندگی و مرگ و نسبت او با وجود
- نقش اساسی دین و بسیاری از اندیشمندان مصلح در محور دوم است. تفاوت رویکرد دینی با سایر تلاش‌های صورت گرفته در این مهم را می‌توان در چند اصل برشمرد:
۱. واقعگرایی همراه با ایمان شورانگیز: ادعای واقعگرایی در بسیاری از مکاتب رقیب دین وجود دارد ولی ایجاد تعهد وجودی بر سر شناخت و باورها از توان

نگرش‌های غیر دینی خارج است؛ زیرا متن دین، انسان را در برابر نجات و یا عذاب ابدی قرار می‌دهد و آدمی نمی‌تواند به سادگی در باره سرنوشت مربوط به هستی خود، بی تفاوت و بدون قضاوت باقی بماند.

۲. عینیت اسوه: در مکاتب غیر دینی، اندیشه‌ها و چارچوب‌های ارائه شده برای پدیدآوری انسان نمونه و مطلوب، ارزش نظری دارد و تا مسیر تحقق چنین آرمانی و اصولاً آزمودن امکان چنین انسانی، می‌باید به انتظار نشست. مارکس، ژان پل سارتر، اسپینوزا، ژان ژاک روسو و سایر اندیشمندان، که طرح انسان اسوه را در قلمرو اندیشه‌های خود ارائه داده‌اند، خود هرگز نمونه تحقق یافته آن نبوده‌اند. اما داستان ادیان توحیدی و ابراهیمی دگرگونه است. اعتبار و مقبولیت شخصیت نبی نزد انسان‌های معاصر و آیندگان در ملازمت با اعتبار و مقبولیت متن وحیانی او است. از این رو عصمت به عنوان یک معیار سستی در کلام الهیاتی ادیان مطرح است. بنابراین ساختار شخصیت نبی نه فقط به عنوان واسطه پیام خداوند بلکه در سطح شاخص صحت و مقبولیت آموزه‌های دین جلوه‌گر می‌شود و سنت به عنوان ترجمان و شارح متن وحیانی، اعتباری بی بدیل می‌یابد.
۳. تقدس و امر متعالی: متن وحی و همچنین کردار و سخن نبی به گونه‌ای مستمر مورد تفسیر گروندگان و مؤمنان قرار می‌گیرد. همواره مفسر به تصحیح دائمی ذهن خود در برابر کج فهمی‌های احتمالی می‌پردازد که ساحت تقدس کتاب آسمانی و عصمت رسول خدا را می‌آلاید و نه بسان خطا که گناه تلقی می‌شود. او چون خویشان را در برابر امر متعالی و فراتر از خطا و ظلم مسئول می‌یابد به تقویت فهم تسیحی خود می‌پردازد. از این رو واقع‌بینی، همواره به معنای درک عمیقتر از ناشناخته‌های شریعت تلقی می‌گردد تا از رهگذر این فرایند، لایه‌های غیبی درون آدمی و جهان بر او آشکار گردد. به همین دلیل کاوش‌های الهیاتی در حوزه افعال و صفات خدا و نبی به پرده‌گشایی و شناخت از لایه‌های تودرتوی

نگرش چند ساحتی به مقولات تمدنی در...
مجله علوم انسانی / ۸۱

که نژاد خاص یا در دوره معین تاریخی خاص می‌زید بلکه دین، طبیعت و سرشت مشترک آدمیان را مخاطب پیام خود می‌سازد؛ چرا که هدایت دینی و بویژه در فضای گفتگومانی دین اسلام برای نجات قوم و ملتی معین نیست: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (آل عمران/۱۳۸) هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ لِيَذْكُرُوا آلَ الْآلِبَابِ (ابراهیم/۵۲) إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (تکویر/۲۷)

از این رو شکستن پوسته های عصری و برون آمدن از پایگیرهای مکان و زمان، متن دینی را آن چنان نیرومند می‌سازد که می‌تواند مخاطبهای با افقهای گوناگون را با پیام خود ارتباط دهد. در قرآن کریم به سبب نزول تنجیمی با توجه به رویدادهای گوناگون زمان نزول، بخش قابل توجهی از آیات نازل شده است ولی این ویژگی با قاعده تفسیر، متن قرآنی را در بند وابستگیهای تاریخی و قومی گرفتار ساخته است. از معاصران زمان نزول جز نام پسر خوانده رسول گرامی (ص) و ابولهب به عنوان نماد لجاجت در برابر دعوت توحیدی در قرآن کریم نیامده است. برکنند هویتهای مکانی و زمانی ناتوان ساز متن، قاعده تفسیر است که در عین حال با اشارات اجمالی به برخی مکانها و رویدادها همچون حنین و بدر بر عبرت آموزی فرازمانی از این وقایع می‌پردازد. برآستی که اعجاز قرآنی در این زمینه ستودنی است. هم بیگانه از پس زمینه متن و جغرافیای سخن نیست و همچنین متنی فرازمانی با توان خطاب و پیام جهانی و همیشگی است؛ پیوند حکیمانه و هنرمندانه زمان پدید آمدن متن با گستره تاریخ آینده بشر.

۲-۲- تفاوتهای تمدنی و اجتماعی و روانی مخاطبان پیام وحی

مستن دین در رویارویی با انبوهی از تفاوتها و چشم اندازهای گوناگون خوانندگان قرار می‌گیرد و به ناگزیر ظرفیتهای چند لایه و پنهان خود را فقط بر خوانندگانی آشکار می‌سازد که به تناسب و تجانس وجودی خود با لایه‌ای از

انسان و غایت‌مندی هستی او مبدل می‌گردد. چنین روندی از شناخت در حوزه باورهای غیر دینی نمی‌تواند روی دهد مگر در حد حراست از هسته های سخت و زیربنایی آموزه های پیکره معرفتی. این گونه احتیاط و وسواس، خود به وجود آورنده روند ناخود آگاه و گاه عمدی توجیحات و تأویلات گوناگون برای افزایش توان دفاعی و تفسیری اصول بنیادین می‌شود.

شخصیت نبی با نگرش کلامی عصمت و قداست، هنگامی که در میدان عرفی و بشری حوادث تاریخ نگریسته می‌شود، کفه ترازو به سود دیدگاه کلامی سنگین می‌شود به گونه ای که پژوهشگر پایبند به چشم اندازهای عقلی و استدلالی کلامی، درک درست خود را از تاریخ در گرو تفسیر مطابق رویدادها با سنجه های اعتقادی می‌نهد و از این رو تحلیل عقیدتی بر نگاه گزارشگر، حاکمیت تام می‌یابد و این شیوه نه به عنوان کاستی و نقص بلکه به عنوان ویژگی اجتناب ناپذیری رخ می‌نمایاند. اینکه چستی تقدس و عصمت و مرزهای تفسیری آن دو با چه ملاکهایی سنجیده و تفسیر می‌شود، نقش تعیین کننده ای در اعتبار تحلیلهای تاریخی دارد.

نوشتار پیش رو به بررسی ابعاد اسوه ای پیامبر اعظم در قرآن کریم در بعد ساختار شکنی تک ساختگرایی و اخلاقی ساختن ساحتی گوناگون زندگی بشر می‌پردازد:

عنوان انتخاب شده با توجه به نیازهای انسان معاصر و بحرانهای تمدنی پیش رو است. مباحثی این چنین، قطره‌ای است از دریای سنت غنی و تودرتوی پیامبر عظیم الشان اسلام؛ پیامبری که همواره او را باید شناخت.

۲- چند ساحتی بودن مقولات تمدنی و بحران تمدن معاصر

۲-۱- مخاطب عمومی دین

کلام و پیام دین، متوجه انسان است از آن جهت که انسان است و نه از آن جهت

انسان و غایت‌مندی هستی او مبدل می‌گردد. چنین روندی از شناخت در حوزه باورهای غیر دینی نمی‌تواند روی دهد مگر در حد حراست از هسته‌های سخت و زیربنایی آموزه‌های پیکره معرفتی. این گونه احتیاط و وسواس، خود به وجود آورنده روند ناخودآگاه و گاه عمدی توجیحات و تأویلات گوناگون برای افزایش توان دفاعی و تفسیری اصول بنیادین می‌شود.

شخصیت نبی با نگرش کلامی عصمت و قداست، هنگامی که در میدان عرفی و بشری حوادث تاریخ نگرسته می‌شود، کفه ترازو به سود دیدگاه کلامی سنگین می‌شود به گونه‌ای که پژوهشگر پایبند به چشم اندازهای عقلی و استدلالی کلامی، درک درست خود را از تاریخ در گرو تفسیر مطابق رویدادها با سنجه‌های اعتقادی می‌نهد و از این رو تحلیل عقیدتی بر نگاه گزارشگر، حاکمیت تام می‌یابد و این شیوه نه به عنوان کاستی و نقص بلکه به عنوان ویژگی اجتناب ناپذیری رخ می‌نمایاند. اینکه چستی تقدس و عصمت و مرزهای تفسیری آن دو با چه ملاک‌هایی سنجیده و تفسیر می‌شود، نقش تعیین کننده‌ای در اعتبار تحلیلهای تاریخی دارد.

نوشتار پیش رو به بررسی ابعاد اسوه‌ای پیامبر اعظم در قرآن کریم در بعد ساختارشکنی تک ساختگرایی و اخلاقی ساختن ساحت‌های گوناگون زندگی بشر می‌پردازد:

عنوان انتخاب شده با توجه به نیازهای انسان معاصر و بحرانهای تمدنی پیش رو است. مباحثی این چنین، قطره‌ای است از دریای سنت غنی و تودرتوی پیامبر عظیم الشأن اسلام؛ پیامبری که همواره او را باید شناخت.

۲- چند ساحتی بودن مقولات تمدنی و بحران تمدن معاصر

۲-۱- مخاطب عمومی دین

کلام و پیام دین، متوجه انسان است از آن جهت که انسان است و نه از آن جهت

که نژاد خاص یا در دوره معین تاریخی خاص می‌زید بلکه دین، طبیعت و سرشت مشترک آدمیان را مخاطب پیام خود می‌سازد؛ چرا که هدایت دینی و بویژه در فضای گفتمانی دین اسلام برای نجات قوم و ملتی معین نیست: هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (آل عمران/۱۳۸) هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ لِيَذْكُرُوا آلِيَابَ (ابراهیم/۵۲) إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (تکویر/۲۷)

از این رو شکستن پوسته‌های عصری و برون آمدن از پایگیرهای مکان و زمان، متن دینی را آن چنان نیرومند می‌سازد که می‌تواند مخاطب‌های با افق‌های گوناگون را با پیام خود ارتباط دهد. در قرآن کریم به سبب نزول تنجیمی با توجه به رویدادهای گوناگون زمان نزول، بخش قابل توجهی از آیات نازل شده است ولی این ویژگی با قاعده تفسیر، متن قرآنی را در بند وابستگیهای تاریخی و قومی گرفتار نساخته است. از معاصران زمان نزول جز نام پسر خوانده رسول گرامی (ص) و ابولهب به عنوان نماد لجاجت در برابر دعوت توحیدی در قرآن کریم نیامده است. برکنند هویت‌های مکانی و زمانی ناتوان ساز متن، قاعده تفسیر است که در عین حال با اشارات اجمالی به برخی مکانها و رویدادها همچون حنین و بدر بر عبرت آموزی فرازمانی از این وقایع می‌پردازد. برآستی که اعجاز قرآنی در این زمینه ستودنی است. هم بیگانه از پس زمینه متن و جغرافیای سخن نیست و همچنین متنی فرازمانی با توان خطاب و پیام جهانی و همیشگی است؛ پیوند حکیمانه و هنرمندانه زمان پدید آمدن متن با گستره تاریخ آینده بشر.

۲-۲- تفاوت‌های تمدنی و اجتماعی و روانی مخاطبان پیام وحی

متن دین در رویارویی با انبوهی از تفاوتها و چشم اندازهای گوناگون خوانندگان قرار می‌گیرد و به ناگزیر ظرفیتهای چند لایه و پنهان خود را فقط بر خوانندگان آشکار می‌سازد که به تناسب و تجانس وجودی خود با لایه‌ای از

پیامهای متن تماس پیدا می کنند؛ به عبارت دیگر متن دین هنگامی گونه ای از پیام خود را آشکار می سازد که خواننده به همان میزان از ظرفیتهای انسانی دست یافته باشد.

۳-۲- توانمندیهای این چنینی در متن غیر اعجازی نایاب است.

ارتباط هر متن با افقهای فکری و روحی بیشمار در طول تاریخ به گونه ای که ایمانی مشترک نسبت به پیام خود در افقهای متفاوت ایجاد کند و مخاطب را به واکنشی مؤمنانه مبتلا سازد، امکانی است که از لوازم آن:

- بهره مندی و جوه معنایی تودرتو در لایه های مفهومی متن

- تکیه بر سرنوشت وجود انسان از جهت نجات و یا عذاب ابدی

- متن بازیگری که خواننده را همدلانه جذب پیام خود کند به گونه ای که خواننده وضعیت وجودی خود را به وسیله متن تفسیر نماید.

۴-۲- چنین متنی با تواناییهای ظهیری و بطنی متناسب با سرشت چندجانبه انسان است.

مخاطب متن، انسان است با شمار فراوانی از ویژگیهای گوناگون با پیوستگی منظومه ای، که تمامیت هویتی او را به دوایر متقاطع و متداخل تقسیم کرده است؛ همچون گرایشهای فکری، روانی، میراثهای تاریخی، آداب حیات جمعی، نیازهای معیشتی، احساس امنیت، ویژگیهای زیبایی شناسی، مقولات اخلاقی، وضعیت سیاسی، جایگاه طبقاتی و نقش ویژه اجتماعی و صدها ویژگی مرتبط و تأثیرگذار متقابل.

این چنین است که خواننده متن قرآنی، موجودی با ساختهای گوناگون و پیچیده با افقهای گونه گون طبقاتی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی است که در وجود آدمی در قالب کثرت در وحدت در آمده است. تمامی این ابعاد پیچیده در وحدتی به نام

من، منظومه ای را سامان داده است که برای او مقولات انتزاعی معنای محصلی ندارد. لذا هر موضوع اقتصادی برای آدمی پیامدهای اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و روانی به وجود می آورد و این اثر گذاری از اخلاق به سیاست و از فرهنگ به اقتصاد و از سیاست به اقتصاد و ... ادامه می یابد.

۵-۲- متن قرآنی و به تبع آن حکومت رسول اکرم (ص) به انسان همچون سرشتی پاره پاره و از هم جدا نمی نگرد و در هر خطاب خود به انسان به عنوان پدیده ای مشکک و ذومراتب، ملاحظاتی چند جانبه نگرانه دارد. جداسازی ماده و معنا و اخلاق و اقتصاد و سیاست و عرفان و روانشناسی انسان از جامعه شناسی او هرگز در پیام وحی و حکومت نبوی مجالی برای ظهور نمی یابد.

البته در بینش تحلیلگر ذهن آدمی، جداسازی حوزه های سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و دینی برای فهم تفسیری از زندگی جمعی ضروری به شمار می آید. این چنین جداسازی انتزاعی به عنوان تمایز بخشی و آشکار سازی بیشتر پدیده ها و رویدادها به کار گرفته می شود. اما مشکل از آنجا آغاز می شود که نهادهای مدیریتی جامعه با تقسیم بندی حوزه وظایف خود در ساحتها تخصصی به اداره جامعه می پردازند. نهادهای اقتصادی در زمینه تجارت، مالیات، کنترل تورم، افزایش قدرت خرید، واردات و صادرات کالا و خدمات به وضع قوانین می پردازند. نهادهای سیاسی در حوزه روابط قدرت، نظام اداری و عزل و نصبها و برقراری امنیت و اجرای قوانین، مدیریت می کنند و نهادهای قضایی و فرهنگی و هنری و آموزشی نیز در حوزه های تخصصی خود به اقدامات مدیریتی و اجرایی می پردازند.

این حوزه ها که در مقام نظر و عمل به گونه موازی و مستقل، مدیریت می شوند از انواع ارتباطها و پیوندها و تأثیر گذاریهای چندجانبه بر یکدیگر برخوردارند؛ به عنوان نمونه، مصرف دستگاه های صوتی و تصویری و لوازم پیشرفته خانگی و هر نوع

کالای اقتصادی، امکانات بی سابقه‌ای را در اختیار انسان قرار می‌دهد که به تحول در سبک زندگی او می‌انجامد و دگرگونی در موقعیت زندگی، مولد ارزشها و باورهای متناسب با خود می‌شود. قرآن کریم در باره سبک زندگی و شیوه‌های مصرف، حساسیت فوق العاده نشان می‌دهد و دلیل آن، تأثیرات نیرومند روش زندگی در شخصیت آدمی است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* (مانده/۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال نموده است (انواع وسایل زندگی که حرمتی برای آنها نرسیده است) بر خود حرام نکنید و (از مرز حلال به حرام هم) تجاوز ننمایید که همانا خداوند، تجاوز کاران را دوست ندارد.

قرآن کریم، رسولان الهی را درباره تأثیر تغذیه در رفتارسازی و هویت انسان این چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: *يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ* (مؤمنون/۵۱)

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه کریمه آمده است: فرق میان شما (رسولان الهی) و دیگر انسانها این نیست که شما صفات بشری همانند نیاز به تغذیه ندارید؛ تفاوت این است که شما حتی تغذیه را نیز به عنوان یک وسیله تکامل پذیرفته‌اید و به همین دلیل، برنامه شما خوردن از طیبات و پاکیزه‌ها است در حالی که مردمی که خوردن را هدف نهایی خود قرار داده‌اند به هیچ وجه مقید به این برنامه نیستند؛ به دنبال چیزی می‌روند که هوس حیوانی آنها را اشباع کند؛ خواه خبیث باشد یا طیب.

با توجه به اینکه نوع تغذیه در روحيات انسان مسلماً مؤثر است و غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد، ارتباط این دو جمله روشن می‌شود که می‌فرماید: «از غذاهای پاکیزه بخورید» و «عمل صالح انجام دهید».

در روایات اسلامی نیز می‌خوانیم که خوردن غذای حرام جلوی استجاب دعای انسان را می‌گیرد. حدیث معروفی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که شاهد این مدعی است: مردی خدمتش عرض کرد دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: *طهر مأكلك و لا تدخل بطنك الحرام*: (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰: ۳۷۳) یعنی: «غذای خود را پاک کن و از هر گونه غذای حرام پرهیز» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۵۵).

خود رسول اکرم (ص) نیز همچون مؤمنان دیگر به دقت کردن در روش زندگی توصیه شده است: *يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ* (تحریم/۱)

ای پیامبر، چرا آنچه را خداوند بر تو حلال کرده (از خوردن غسل و تماس با همسر با سوگند بر خود) حرام می‌کنی در حالی که (در این ترک اولی) رضایت همسرانت را می‌جویی؟! خداوند آمرزنده و مهربان است.

مسئله به ظاهر برای افراد ظاهر بین، ساده است مگر: امساک از یک نوع خوراکی و پرهیز از همبستری با زن در زندگی چه نقش سرنوشت‌سازی دارد؟ آن هم در زندگی شخصیتی پاک و الهی همچون نبی اکرم (ص). چگونگی خطاب قرآن به رسول اکرم نشان می‌دهد که شیوه‌های مصرف لذات و سبک زندگی، آثار وضعی ناخواسته‌ای دارد که می‌تواند مسیر زندگی انسان را دستخوش دگرگونیهای اساسی سازد.

از این رو سیاستگذارهای حکومتی باید آن چنان سنجیده صورت گیرد تا از وجود انواع تأثیرات چندجانبه تصمیمات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در یکدیگر غافل نماند. نگرش چند ساحتی به پدیده‌های تمدنی و آثار گوناگون آنها در ساختار اخلاق و رفتارها و بینشها آن چنان است که جداسازی حوزه‌های اقتصادی از سیاست

فرهنگ در مدیریت جامعه، بحرانهای پیچیده‌ای را پدید آورده است؛ برای نمونه، گوناگونی در بینش فرهنگی فرد و جامعه در زمینه های گوناگونی همچون آزادی، حقوق بشر، نقادی قدرت، عدالت، امنیت، شیوه مصرف، الگوهای پوشاک و مانند آنها، افکار عمومی را در حوزه های دیگر همچون سیاست و امور قضایی و اقتصادی ساماندهی می کند.

۳- حکومت رسول اکرم (ص) الگویی بی نظیر در تاریخ سیاسی

جوامع بشری

نگرش چند ساحتی به مقولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در سطح توسعه نیافته تاریخی آن زمان و بویژه اوضاع زندگی غیرمدنی عربستان آن روزگار شگفت انگیز است؛ به عنوان نمایانندن مصادیقی از آسوگی مدیریت حکومتی رسول اکرم (ص) به آیات قرآن در باره مقوله ای چون زکات، امر به معروف و نهی از منکر، ربا و جهاد نظری اجمالی می اندازیم:

۳-۱- زکات

زکات در نگاه نخستین، مقوله ای مالیاتی در چارچوب ساختار اقتصادی است؛ همچون نظامهای مالیاتی رایج در سطح حکومتها. ولی نگرش قرآنی، زکات را چند ساحتی با کارکردهای گوناگون در نظر می گیرد. زکات به عنوان عبادتی در ردیف نماز آورده می شود تا از یک مقوله اقتصادی و مادی، کارکردی ایمانی و اعتقادی به وجود آید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ» (بقره/۴۳): نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و بارکوع کنندگان رکوع نمایید.

مالیات که در حوزه تدبیر عقل معاش قرار دارد در قلمرو تدبیر عقل معاد و سرنوشت آخرتی قرار می گیرد: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ

خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ: نماز را برپا دارید و زکات بدهید و هر چه برای خودتان از کار نیک پیش فرستید آن را در نزد خداوند خواهید یافت، حقا که خدا به آنچه می کنید، بیناست (بقره/۱۱۰).

در آیات دیگر، نماز و زکات، عملکرد سیاسی و نشاندهنده پذیرش اقتدار حکومت از جانب محاربین است که معاهد حکومت می شوند: «فَلِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَبِإِذْنِ تَأْيُوبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه/۹)

زکات، همچنین جهتگیری اخلاقی می یابد و اقتصاد در قلمرو اخلاق راه می یابد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: (ای ولی امر امت) از اموال آنان زکاتی بگیر که بدین کار (جان و مال) آنها را پاکیزه می کنی و رشد می دهی و بر آنها دعا کن و درود فرست که همانا دعا و درود تو مایه آرامشی برای آنهاست و خداوند شنوا و داناست (توبه/۱۰۳).

۳-۲- امر به معروف و نهی از منکر

احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه بشری، ضریب همبستگی انسانها را افزایش می دهد و از رهگذر آن، امنیت فردی و جمعی تضمین می شود و تداوم می یابد.

این چنین مسئولیت اجتماعی در قرآن ابعاد گوناگونی می یابد؛ همچون مرحله ای از مراحل سیر و سلوک نفسانی و مرحله ای از تطورات کمال وجود انسان: «الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: (مومنان کسانی هستند که) توبه کنندگانند و عبادتکاران و سپاسگویان و سیاحت کنندگان و رکوع کنندگان و

الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/۲۷۵)

امام صادق(ع) پیامد ضداخلاقی اقتصاد ربوی را چنین بیان می‌کند: عن ابی عبد الله علیه السلام قال: انما حرم الله عز و جل الربا لكيلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف. (عروسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۹۲) و در عین حال، حکم حکومتی برای رباخواران صادر می‌شود و آنها در ردیف محاربین سیاسی حکومت در می‌آیند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸) فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَسَا تَظْلِمُونَ وَ لَسَا تَظْلَمُونَ (بقره/۲۷۹)

علامه فرزانه در میزان به آثار چند ساحتی ربا، که پدید آورنده جنگهای بزرگ جهانی شده و جان میلیونها انسان را از بین برده است، اشارتی ژرف بینانه دارد و ربا را تنها مقوله ای تک ساحتی نمی‌داند: رباخواران به جمع کردن اموال و انباشتن ثروت پرداختند و در راه به دست آوردن جاه و مقام با یکدیگر مسابقه گذاشتند و همین باعث به راه افتادن جنگهای جهانی شد و جمعیت دنیا به دو دسته تقسیم گردیده، رو به روی هم ایستادند؛ یک طرف ثروتمندان مرفه و طرف دیگر استثمار شدگان بدبختی که همه چیزشان به غارت رفته بود و این جنگهای جهانی، بلایی شد که کوه‌ها را از جای کند و زلزله در زمین افکند؛ انسانیت را به فنا تهدید کرد و دنیا را به ویرانه‌ای تبدیل نمود: «تَمَّ كَان عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاؤُ السَّوَاي»! آری عاقبت کسانی که بد کردند همان بدی بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۲۹).

در عین حال، ربا خواری جنبه خسارت آخرتی دارد و مقابله جویی با ایمان تلقی می‌شود: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره/۲۷۶)

جده‌آوران و آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و زهای) الهی و بشارت بده (به این چنین) مؤمنان! (توبه/۱۱۲) همچنین مقوله ای یاسی می‌شود که حکومت صالحان از آن برای سلطه مشروع خود در جهت هدایت ت بهره می‌گیرد: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا لِمَعْرُوفٍ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

در ساحتی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر ماهیتی شبیه به گروه های جامعه دنی می‌یابد که وظیفه آنها روشنگری و آموزش افکار عمومی و همچنین تسویر و تبیین عملکرد حکومتی دارد؛ گروه هایی که در نهضت حسینی نبودند، و اگر بودند و به افشای عملکرد نظام اموی می پرداختند و راه امام را برای افکار عمومی تشریح می کردند، امام تنها نمی‌ماند: وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴) و یا ماهیتی اصلاحی می‌یابد که توسط خود مردم برای مردم اجرا می‌شود تا از رهگذر آن پالایش خودجوش جمعی پدید آید: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه/۷۱)

۳-۳- ربا

بسیاری از احکام قرآنی در حکومت رسول اکرم(ص) عملکردهای چند ساحتی می‌یابد، به گونه‌ای که نظیر آن در حکومت‌های معاصر یافت نمی‌شود. اگر ربا تحریم می‌شود نه فقط یک نوع معامله اقتصادی تحریم می‌شود بلکه ربا به عنوان امری ضد اخلاقی و ستمگرانه تلقی می‌شود: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ

۴-۳- جهاد

جهاد در باب بندیهای رایج فقهی، ماهیتی عبادی دارد که شرط آن قصد قربت و نیت خالصانه برای اجرای تکلیف الهی است. بنابراین جهاد از چارچوب مقوله نظامی، کارکردی عبادی می یابد: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه/۲۴) و گاه نقش مبارزه عقیدتی: فَلَا تَطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان/۵۲) و همچنین بعد سیاسی برای مبارزه با کسانی که با حکومت دینی محاربه ارتدادی دارند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائده/۵۴) و ماهیتی عرفانی برای کسب مراتب والای سیر و سلوک جان آدمی: الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه/۲۰)

چرا که در منظومه نگرش قرآنی، دین و اقتصاد و سیاست و اخلاق و جنگ، ویژگیهای در هم تنیده مقولات زندگی جمعیتی بشری است و مدیران می باید پیامدهای گوناگون هر تصمیم را آگاهانه در نظر بگیرند و در این میان، سیره حکومتی آن گرامی، تحقق عملی ینش چند ساحت مدارانه قرآن کریم است که می تواند به عنوان الگویی پایدار برای حکومتهای دوران کنونی و آینده باشد.

۴- زیانهای نگرش تک ساحتی به مقولات تمدنی

هر چه بیگانگی مدیریتهای زندگی جمعیتی از الگوی سیره نبوی در حکومت

نگرش چند ساحتی به مقولات تمدنی در...
مجله علوم انسانی / ۹۱

افزونی می یابد به همان میزان بحرانهای تمدنی گسترده شده است. در این باب به انحراف نگرش تک ساحتی در برخی از مقولات پیشگفته پرداخته می شود:

۱-۴- زکات

پس از گذر از دوران نبوی، زکات در دستان خلفای اموی و عباسی، ماهیتی دوسویه یافت:

۱-۱-۴- ابزاری برای سرکوب مخالفان و منتقدان حکومت به بهانه ارتداد آنها که علت آن را در پرداخت نکردن زکات از سوی این گروه ها عنوان می کردند؛ همان گونه که در زمان ابوبکر چنین استفاده ابزاری از زکات به وسیله خالد بن ولید انجام گرفت و قبیله تحت ریاست مالک بن نویره را به عنوان مرتد از دم تیغ گذراند و با شهوترانی خود به نوامیس مرتدان حکومتی! تجاوز نمود تا هم به کام دل رسد و هم خوش خدمتی خود را به قدرت حاکم نشان دهد که چگونه از زکات و به نام دین برای نخستین بار در تاریخ اسلام بنیانگذار استفاده ابزاری از زکات و دین به نفع سیاست و قدرت می شود.

یعقوبی، گروهی از کسانی را که نام آنها در لیست مرتدین آمده، افرادی را نام برده است که از پرداختن زکات به ابو بکر خودداری کرده اند نه اینکه مرتد شده اند (جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۸۲).

پس از او گروه هایی که زکات را به حکومتهای غاصب پرداخت نمی کردند و آن را در اختیار امام یا نایب امام قرار می دادند با عناوینی چون خارجی و از دین برگشتگان، مهدورالدم اعلام شده و با چنین دستگاه پیشرفته کفرسنج به شناسایی نقادان اعمال ناروای حکومتی و شیعیان پاک نهاد همت گذاشتند.

۲-۱-۴- زکات برای افزایش تاراج از مردم در جهت تثبیت و پایدارسازی قدرت حاکم؛ به بیان دیگر به نام دین برای آبادی آخور حکومتهای نامشروع بهره بردن.

بدین شکل با پوشش دینی به دین زدایی منافقانه کمرهست بستن، سرنوشت تلخ ریخ اسلام و بلکه حکومت‌های به نام خدا و علیه دین خداوند شد و بهانه خوبی برای نان دادن ناتوانی دین و خطرناک جلوه دادن حاکمیت سیاسی آن برای دشمنان ین، که تحت پوشش جدایی قلمرو دین به مثابه مشغولیتی خصوصی از عرصه سیاست به مثابه عرصه عمومی به طبل تو خالی سکولاریسم بکوبند و نوای شوم کفر را سردهند.

امروزه زکات به نام مالیات، تنها به عنوان امری اقتصادی برای ایجاد درآمد و رفاه عمومی مطرح است و از آن همه ساحت‌های گسترده حکومت نبوی در این باب در جهان معاصر خبری نیست.

۲-۴- امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه الهی با ساحت‌های پیشگفته در قرآن و سیره نبوی به ابزاری به منظور کشتار مجاهدان راه خدا قرار گرفت. پیامبر اکرم در واپسین لحظات زندگی تابناکشان در بستر بیماری، خود را در برابر حقوق امت پاسخگو می دانست و حاضر شد داوطلبانه تن نازنینش را در برابر تازیانه حق خواهی یک مسلمان قرار دهد (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۶۶ و ابن بابویه القمی، ۱۴۰۰ ق: ۵۰۶).

تا زمانی که مسلمانان، آموزش‌های آن وجود نازنین را در برابر زمامداران به کار گرفتند، عزت و سربلندی همراه آنان بود؛ آن چنانکه مسلمانی گمنام در برابر خلیفه دوم فریاد برمی آورد که اگر کج شوی با همین شمشیر کج راست می کنم؛ اما پس از آن گرامی، یزیدیان شراخوار بوزینه باز فضیلت سوز، امر به معروف و نهی از منکر حسینیان زمان را به عنوان مخالفت با خلیفه رسول خدا و شکستن اجماع امت و خروج از حوزه دیانت توجیه کنند و به نام دین امام دین را شهید نمایند و این داستان رقت باری است که امام حسین (ع) دردآلوده به آن اشارت دارد: انا لله انا الیه

نگرش چند ساحتی به مقولات تمدنی در...

راجعون و علی الاسلام السلام از قد بلیت الامه براع مثل یزید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴: ۳۲۵).

۳-۴- ربا

معاملات ربوی، که ساحت‌های گوناگون حقوقی و اخلاقی و حکومتی و اعتقادی را در سیره نبوی در بر دارد، امروزه به عنوان رکن چرخش اقتصاد و رونق آن مطرح است و به تعبیر پژوهشگران عرصه علوم قرآنی، مدعیان ربا از تشبیه مقلوب برای اهمیت بی بدیل ربا در اقتصاد بهره می برند: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا... (بقره/۲۷۵) «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا»: أرادوا نظمهما فی سلك واحد لإفضائهما إلى الربح، و قد جعلوا الربا أصلاً في الحل، و شبهوا البيع به للمبالغة. و هذا ما یسمى فی علم البلاغة بالتشبيه المقلوب (صافی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۴).

در حقیقت، مدعیان رباخواری فرض را بر این گرفته اند که ربا حلال است و بیع را از جهت حلال بودن به ربا تشبیه می کنند؛ یعنی مشروعیت معاملات غیر ربوی را به مشروعیت ربا وابسته می دانند در حالی که ترتیب طبیعی سخن عبارت است از إِنَّمَا الرِّبَا مِثْلُ الْبَيْعِ

آری، هنگامی که ابعاد گوناگون ربا حذف می شود و تک ساحتی به سودآوری آن نگریسته شود، چنین نتایج دور از انتظار، بدیهی می نماید.

این گونه تشبیه مقلوب از ربا در جهان اقتصادی مدرن پذیرفته شده است و مشروعیت داد و ستدهای تجاری با وجود ربا رسمیت و توجیه اقتصادی می یابند.

۴-۴- جهاد

جهاد در قرآن کریم فلسفه تدافعی در برابر تجاوزگری دارد: أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير (حج/۳۹)

فخررازی در این باب می گوید: فالمراد أنهم أذنوا في القتال بسبب كونهم مظلومين و هم أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم كان مشركو مكة يؤذونهم أذى شديدا و كانوا يأتون رسول الله صلى الله عليه و سلم من بين مضروب و مشجوج يتظلمون إليه فيقول لهم اصبروا فإنني لم أؤمر بقتال حتى هاجر فأنزله الله تعالى هذه الآية و هي أول آية أذن فيها بالقتال بعد ما نهى عنه في نيف و سبعين آية (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸: ۲۲۹).

از این رو از مقوله نظامی و دفاعی صرف به یک تکلیف عبادی سوق داده می شود و ماهیتی اعتقادی و اخلاقی و سیاسی و عرفانی می یابد؛ اما پس از رسول اکرم (ص) جهاد با نگرش تک ساحتی به وسیله ای برای گسترش قلمرو قدرت خلفا در آمده و به نام دعوت اسلامی به زراندوزی و جمع غنایم پرداخته و به ابزار برای گسترش امپراتوری و ارضای جاه طلبی قدرتمندان در می آید.

۵- اخلاقی ساختن ساحت های گوناگون زندگی بشر

غفلت بزرگ تمدنی جوامع امروز، بی توجهی به ساماندهی ساحت های گوناگون زندگی انسان در جهت اخلاقی نمودن انسان است. از این رو در اقتصاد، رونق و سودآوری با کمترین هزینه هدف راهبردی شده است. در حوزه سیاست، کسب قدرت و حفظ و گسترش آن به هر وسیله ممکن، کعبه آمال زمامداران گشته است.

هنر و فرهنگ به صنعت تجاری سودآور تبدیل شده است و منطق بازار در عرصه فرهنگ و هنر ترکتازی می نماید. در عرصه سبک زندگی، لذت و برخورداری و میل مالکیت بر اشیای بی جان تبدیل به گفتمان حاکم شده است.

در عرصه تفکر فلسفی، پست مدرنیسم به عنوان واپسین رهاورد اندیشه ای غرب، تعهد خود را به عقلانیت و وجدان اخلاقی رها کرده و با موضعی ذوق مدار و زیبایی شناسانه، شناخت حقیقت و فضیلت مبناگرانه را از اساس منکر گشته و نسبییت و کثرت محض و عدم تعین و قطعیت در همه جنبه های جهان را اصل موضوعه خود قرار داده است.

پژوهش های دینی و عرفانی نه از جهت پرکردن خلأ های معرفتی و روحی و بلکه از جهت میزان معقولیت و نه حقانیت، سرگرمی فکری فیلسوفان زبان قرار گرفته است؛ اما اخلاق به عنوان مرکز توجه رسول اکرم در عرصه های گوناگون زندگی و اساس رسالت نبوی در حدیث مشهور آن گرامی معرفی می شود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱: ۳۷۳). «من برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام».

بویژه در عرصه روابط قدرت و سیاست، مرکز توجه رسول خدا (ص) اخلاقیات است. آن حضرت هنگامی که به دعوت پنهانی در موسم حج در سالهای پایانی هجرت می پردازد با اینکه نیاز بسیار در آن اوضاع غربت و فشار به بیعت قبایل داشت ولی هیچ گاه به پیشنهاد قبایلی که هدفشان از بیعت با رسول الله، سهم خواهی در آینده سیاسی عربستان است و نه بیعتی از سر ایمان و اخلاص، پاسخ مثبت نمی دهد چرا که در سنت آن بزرگوار، سیاست تابعی از اصول اخلاقی است. ملا محسن فیض کاشانی در این باره می نویسد: و ينفذ الحق و ان عاد ذلك بالضرر عليه او على اصحابه، عرض عليه الانتصار بالمشرکین علی المشرکین و هو فی قلة و حاجة الی انسان واحد یزیده فی عدد من معه، فابی و قال: لا استنصر بمشرك (فیض کاشانی، بی تا، ج ۴: ۱۲۴؛ قمی، ۱۴۰۴ ق: ۶۷).

در جنگ که مکر و حيله، سکه رایج است آن گرامی همواره در آغاز هر جنگ

سفارش به اخلاق و ارزشهای انسانی می فرماید تا جنگ نیز اخلاق را تحت الشعاع قرار ندهند: عن ابی عبدالله (ع): کان رسول الله (ص) اذا اراد ان یبعث سریة دعاهم فاجلسهم بین یدیه ثم یقول، سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله، لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخا فانیاً و لا صبیاً و لا امرأه و لا تقطعوا شجراً الا ان تضطروا الیها... ناجوانمردانه نجنگید. مثله نکنید. پیمان شکنی نکنید. پیرمرد و کودک و زنان را نکشید و درختان را قطع مکنید مگر به ناچار (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵: ۲۷).

نزد پیامبر، اخلاق نه به عنوان ماهیتی فردی و شخصی بلکه در عرصه روابط جمعی نیز از جایگاه بی نظیری بهره مند است. اخلاق در حوزه زندگی جمعی در سیره رسول اکرم بدین گونه است که تمام جنبه های زندگی انسان می باید تحت کنترل اخلاقی درون جوش قرار گیرد و با مدیریت و نظارت بیرونی توانمند گردد. حاصل این نفوذ اخلاقی این است که عدالت گرایی نتیجه زندگی اخلاقی انسانها از اهداف مهم انبیاء می شود: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵) در بخش «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» از «خود جوشی مردم» سخن می گوید. نمی فرماید: هدف این بوده است که انبیا انسانها را به اقامه قسط و اداری کنند، بلکه می گوید: هدف این بوده است که مردم مجری قسط و عدل باشند! آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بیوند و اقتصاد در جهت انفاق و تعاون و تقویت روابط انسانی قرار گیرد: وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (حدید/۸۵) و سیاست، موانع رشد انسانی را از میان بردارد تا عذری موجه برای بزهکاری باقی نماند؛ آن چنان که در آغاز عهدنامه خود به معاذ بن جبل برای فرمانروایی یمن، هدف سیاست ورزی را اخلاقی نمودن انسانها

برمی شمارد: یا معاذ علمهم کتاب الله و احسن ادبهم علی الاخلاق الصالحة (حرانی، تحف العقول: ۲۵) و دین خود آگاهی وجودی انسانها را سبب شود تا وضعیت انسانی خود را به فراموشی نسپارند و بدانند از جمله غایبات مهم دینداری، زندگی عادلانه است: «عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة قیام لیلهای و صیام نهارها». رسول اکرم (ص): ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد برتر است (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱: ۳۱۷).

۶- نتیجه گیری

نگرش جامع چند ساحتی به نهادهای تمدنی و هدفگذاری اخلاقی در برنامه های توسعه از ویژگیهای برجسته قرآن کریم و سیره نبوی است. قدرت، رفاه، پیشرفت علمی و اقتصادی و توسعه یافتگی سیاسی و فرهنگی آن هنگام زندگی اصیل انسانی را در پی خواهد داشت که ایزاری سودمند در جهت اخلاقی ساختن انسان باشد. در غیر این صورت، گفتمان ایمانی و مدینه النبی در چنین جوامعی حلقه مفقوده هر گونه توسعه پایدار و همه جانبه خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. سیره النبی، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالفکر، بیروت - الصدوق. جعفریان، رسول. تاریخ سیاسی اسلام - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- حرانی، ابن شعبه. تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۲، ۱۳۶۳.
- رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- صافی محمود بن عبد الرحیم. الجدول فی اهراب القرآن، دار الرشید مؤسسه الإیمان، دمشق، بیروت، ۱۴۱۸ ق.